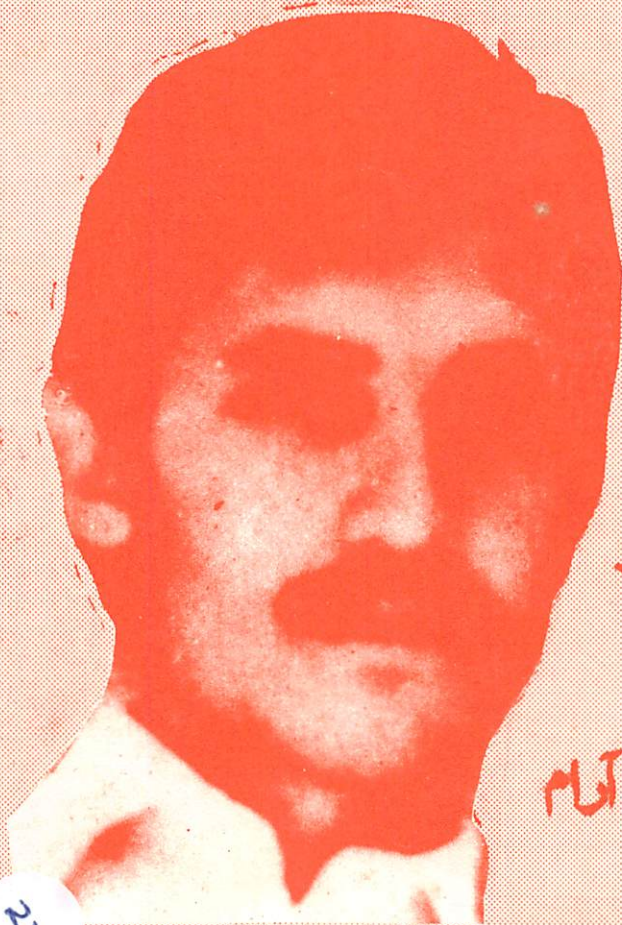




بیاد

رفیق بهرام آرام

۲۰
انقلاب قهرآمیز خلق

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.pèykar.org

رفقا . دانشجویان مبارز باتمام توان مبارزاتی
خود به سازمان مجاهدین خلق ایران یاری رسانیم



کمیته پشتیبانی از خلقهای ایران

آدرس بانکی :

Account No. 59397
Streamer Point Branch
National Bank of Yemen
P . D . R . Y .

آدرس پستی :

P.O. Box 246
Crater Aden
P . D . R . Y .



بیاد

رفیق بهرام آرام

انقلاب قهرآمیز خلق

فهرست

۱- بیاد رفیق بهرام آرام

۲- انقلاب قهرآمیز خلق

* اوضاع اقتصادی - سیاسی رژیم کودتا

* قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲

* شرایط عینی و ذهنی تولد جنبش نوین انقلابی

* دستاوردهای جنبش نوین انقلابی و مبارزات کونی توده‌های خلق

بیاد رفیق بهرام آرام

۲۶ آبان امسال سالگرد شهادت رفیق بهرام آرام عضو مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران بود. در سال گذشته رفیق بهرام آرام و رفیق مجاهد دیگر محمد حاج شفیعی بهادر یک نبرد رویاروی با مزدوران رژیم مغرور شاه به شهادت رسیدند. در این درگیری خون پاک یک عابرنیز بنام شهید حسن باقری بدست جلادان رژیم خائن شاه بزمین ریخت سازمان مجاهدین خلق ایران درباره رفیق آرام می گوید: "رفیق دلیر بهرام آرام از سال ۱۳۴۸ به عضویت سازمان درآمد و در سال ۵۰ در بحرانیترین شرایط پس از ضربات سهمگین که سازمان ما متحمل شده بود در مرکزیت سازمان عضویت یافت. رفیق همواره در تکه پیکان مبارزه مسلحانه قرار داشت و در جبهه مبارزه ایدئولوژیک نیز در صفوف مقدم جبهه واز جمله پرچمداران آن بود. با شهادت رفیق بهرام جنبش نوین انقلابی خلق ما یسی از گادرهای ورزیده سیاسی-تشکیلاتی - نظامی خود را از دست داد."

شهادت یک انقلابی، یک رهبر انقلابی تبلور مشخصی آنست که جنبش انقلابی ای که در آن رهبران راستینی توده های زحمتکش یعنی نیروهای اصلی انقلاب اینگونه در میان توده و در کنار توده ها در بر تانیک مشخص انقلابی خلق شوکت می نمایند و تاپای جان به نبرد سهمگینی علیه دشمن خلق می پردازند اصیل و پایداری می باشد. یک رهبر انقلابی رهبری است که در دل انقلاب خلق متولد میشود همگام با آن رشد می یابد و در دامان جنبش خلق پرورش میابد و در راه آرمانهای والای توده های میلیونی خلق از جان خود نیز دریغ نمی کند. شهادت یک رهبر انقلابی که در پروسه طولانی مبارزه، تجارب از شکستهای پیروزیها، رشد تئوری انقلاب و به قیمت جانهای فدا شده در راه انقلاب برای هدایت خلق پرورش می یابد ضربه ای است بزرگ بر پیکر جنبش انقلابی در این میان شهادت آن رهبرانی بر دوش خلق ما بیشتر سنگینی می کند که رهبری توده های زحمتکش خلق، این پیگیری ترین و اصلی ترین نیروهای انقلاب را به عهده دارند. توده های زحمتکش دقیقاً بدلیل عمق ستم و استشاری که بیش از هر قشر و طبقه ای متحمل می نمایند دقیقاً بدلیل آنکه وجودشان ضامن رشد و تکامل جامعه بشری است آن نیروهای هستند که در صف خلق در پیشاپیش آن پرچم انقلاب را بدست میگیرند و نهایت با دشمن طبقاتی خود به ستیز و مبارزه اشتی ناپذیر بر می خیزند در مقابل شکست ها ندبه وزاری نمی کنند مایوس نمی شوند واز آن برای پیروزی های آینده الهام می گیرند و تا نهایت با دشمن طبقاتی خود به ستیز و مبارزه اشتی نا پذیر بر می خیزند.

پیروزیها آنها را غر نمی کند بلکه از یک پیروزی راه به پیروزی دیگر می کشانید و دقیقاً بدین دلیل است که در دل مبارزات خود رهبران انقلابی دیگر خود را می آفرینند و ضایعات امروز را به پیروزیهای فردا مبدل میسازند.

امروز رهبران راستین زحمتکشان، چون بهرام آرامها که در دل مبارزات پر شکوه زحمتکشان میهن ما زاده میشوند در راه بسیج و تشکل آنها آرام - در دل پروتواضعشان ره می یابند و در همین بسیج و تشکل است که مبارزات شکوهمند زحمتکشان بدون آینده پیروز می شود و دشمن طبقاتی ایشان را در طوفان یک انقلاب خونین به گور تاریخ می سپرند. و پایه های دنیای پر شکوه آینده را بنا می نهند.

بر ماست با ایمان به پیروزی جنبش نوین انقلابی خلقمان با ایمان به پیروزی توده های خلق و زحمتکشان میهنمان غم خود را در از دست دادن رهبرانی بزرگ چون بهرام آرام به نیرو بدل کنیم و مبارزات خود را تا به آخر علیه دشمن خلق به پیش ببریم.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

جاودان باد خاطره رفیق ، مجاهد شهید بهرام ارام
پر شکوه تر باد مبارزات توده های زحمتکش
پیروز باد مبارزات خلق قهرمان ایران و پیشتاز آن جنبش نوین انقلابی
سرنگون باد رژیم منفور شاه سگ زنجیری امپریالیسم آمریکا



انقلاب قهرآمیز خلق

۱- اوضاع اقتصادی - سیاسی رژیم کودتا

امپریالیستها برای غارت منابع ایران باد و هدف ۱- سرکوبی جنبش ضد امپریالیستی و تحکیم موقعیت سیاسی رژیم ۲- حل مسئله نفت به نفع امپریالیسم در راه بسط نفوذ گسترده اقتصادی در ایران دست به کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲ زدند .
آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد ، فاصله خود را با انگلستان کم کرد و سهم خود را از نفت بدست آورد . از این زمان با استقرار قدرت سیاسی خود بتدریج نفوذ روزافزون اقتصادی خود را در ایران گسترش داد . ومنظور تحکیم پایه های استعماری خود امکانات وسیعی در جهت رشد بورژوازی کپرادور فراهم ساخت .

پس از کودتا ، کمک های آمریکا به ایران سرازیر شده ، درآمد نفت افزایش یافت و توازن بازرگانی ایران بسود واردات خارجی برهم خورد . هجوم کالاهای مصرفی خارجی به بازارهای ایران و امکانات دیگری ، رشد سریع بورژوازی کپرادور را به همراه داشت و بدین جهت تحت این شرایط بورژوازی ملی با از دست دادن حاکمیت سیاسی خود ، زیر فشار اقتصادی بی سابقه ای قرار گرفت و ناچار شد بین نابودی و خصلت کپرادوری یکی را انتخاب کند ، باین ترتیب بخشی از بورژوازی ملی در مسیر تبدیل شدن به بورژوازی کپرادور قرار گرفت ، بانکهای متعدد تأسیس شده و اعتبار در اختیار تجار گذارده شد تا کالاهای بیشتری وارد کنند .

در سالهای ۳۸-۳۹ صنایع مونتاژ برای استثمار بیشتر خلق توسط امپریالیسم آمریکا گسترش یافت .

در سالهای آخر این دوره ، بحران اقتصادی ، بیش از پیش شد حجم واردات بالا میروید کمک های خارجی بشدت تخفیف یافته و استخراج نفت و صدور آن تقلیل یافت ، قدرت خنثی توده های مردم پائین آمده ، کالاهای وارداتی بفروش نمی رفت و بورژوازی کپرادور نمی توانست بیش از این در این رشته رشد کند . در این مرحله در سطح جهانی امپریالیسم آمریکا با مشکلات اقتصادی درگیر بود و لزوم سرمایه گزاری در کشورهای دیگر بشدت احساس میشد ، تا از این طریق بتواند بحران درون سیستم را تخفیف بخشیده و به چپاول بیشتری دست یابد .

ایران از جمله کشورهای گزیده شده بود که باتوجه با امکانات طبیعی آن و بازار مصرف و موقعیت استراتژیک آن در منطقه می توانست پاسخگوی نیازهای امپریالیسم آمریکا در این هنگام باشد . با براین می بایست بازار مصرف گسترش می یافت ، منابع زیرزمینی استخراج میشد ، نیروی کار بیشتری استثمار میگردد ، تا غارتگران بین المللی و سرمایه های خارجی

بتوانند سودهای عظیمی بدست آورند .

در این هنگام سیستم حاکم نیمه فئودال - نیمه مستعمره نمی توانست کاملاً در این مرحله پاسخگویی نیازهای امپریالیسم آمریکا باشد و بر این اساس تضاد بین بورژوازی کپرادور بمطابقه پایگاه امپریالیسم آمریکا با فئودالیسم که اساساً تکیه گاه امپریالیسم انگلیس را تشکیل میداد . بیش از پیش تشدید پیدا نمود .

این تضاد از قبل به دو دلیل کاملاً ظاهر نشده بود :

اول - بورژوازی کپرادور تا به این حد رشد نکرده بود ، دوم - فئودالیسم میتوانست تا آنزمان مانع از رشد بورژوازی ملی و جنبش آزاد پسرخش شود بنابراین وجودش برای امپریالیسم بسیار ضروری بود .

بدین ترتیب با توجه به احتیاجات و نیازهای اقتصادی - سیاسی امپریالیسم آمریکا و بورژوازی کپرادور بمنظور پاسخگویی به آنها ، فئودالیسم که پایگاه اصلی امپریالیسم انگلیس بود می بایست ضربات مرگباری را دریافت دارد .

بدین ترتیب برای امپریالیسم آمریکا ، اجرای " انقلاب سفید " بمنظور رسیدن به مقاصد و اهدافش ، بسیار ضروری بود ، او این تجربه را در سایر کشورهای تحت سلطه اش از جمله در آمریکای لاتین قبلاً پیاده کرده به نتیجه گیری مطلوبش دست یافته بود . بعلاوه بخشی از فئودالها دیگر زیاد به زمین هایشان و اصلاح وضع کشاورزی ، توجهی نمیکردند ، آنها ترجیح میدادند که پول خود را در شهرها بکار بیندازند و از طریق زمین خواری در شهرها و بساز و فروش مستغلات از موقعیتی که بورژوازی کپرادور ، در شهر هابوجود آورده بود ، استفاده کند پس از کودتای ۲۸ مرداد " انقلاب سفید " حلقه تعیین کننده دیگر در حرکت امپریالیسم آمریکا در ایران است که بنحوصیعی حاکمیت این امپریالیسم را قطعیت و ابعاد جدیدی در جهت استثمار خلق و غارت و چپاول منابع میهنی توسط امپریالیسم امریکائی بخشید .

با " انقلاب سفید " سیستم حاکم توانست تضادهای درونی خود را بطور موقت و بنفع حاکمیت مطلق امپریالیسم آمریکا و استقرار سیستم بورژوازی کپرادوری حل کند ، اما با این کار تضاد بین خود و خلق را تشدید کرد . رژیم این بار قوی تر از دوره قبل بصورتی متمرکز تر در مقابل توده های خلق قرار میگردد . و برای مقابله کردن با رشد جنبش خلق سرکوب فاشیستی خود را گسترش می بخشد .

در این قسمت برای دقیق تر دیدن اوضاع سیاسی ایران نظری کوتاه به مهمترین جریانهای سیاسی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ می افکنیم .

حزب توده : پس از کودتای رهبری سازشکار و خائن حزب توده عملاً میدان

مبارزه را خالی کرد . از جمله رهبران اصلی حزب مانند بهرامی ها و یزدی ها طی سدها توبه نامه از اعضای صادق حزب دعوت میکردند که خود را به پلیس شاه خائن معرفی کنند . آنان را آشکارا با فرمانداری نظامی به فرماندهی بختیار جلال همکاری میکردند و کادرهای حزبی و مخفیگاههای آنان را به چکمه پوشان محمد رضا شاه می معرفی مینمودند . تشکیلات حزب توده از انجائیکه بهیچوجه یک تشکیلات منضبط نبود و نمی توانست در برابر یورش رژیم کودتا مقاومت نماید و نیز بر اثر خیانت تنگین رهبری حزب ، عملاً متلاشی گردید . در همین زمان " سازمان افسران و درجه داران آزادیخواه ایران " همراه روزنه کبیر که در سال ۱۳۳۰ دویار

به حزب توده ملحق شده بود پس از کودتا به مبارزه خود ادامه داد و بر خلاف آنانی که برای لمیدن بکسی های وکالت و وزارت حزب را بنانهاده ریس از بازگشت ارتجاع در سال ۳۲ یا خائنه فرار را بر قرار ترجیح دادند و یانورکی رژیم کودتا را برگزیدند. تا آخرین قطره خون خویش مبارزه را ادامه دادند. یکسال پس از کودتا با فعالیت مستقیم سازمانهای جاسوسی "سیا" و "اینلتیجنس سرویس انگلستان" سازمان افسری کشف گردید و پیداگاه نظامی سریعاً تعداد زیادی از افسران و درجه داران آزادیخواه را باعدم "محکوم" نمود. تعداد بیش از ۷۰۰ نفر دستگیر و زندانی شدند و ۲۸ افسر میهن پرست در چهار نوبت ۲۷ مهر ۳۳، ۸ آبان ۳۳، ۱۷ آبان ۳۳ و ۲۶ مرداد ۳۴ و نیز خود روز سه در ۲۱ اردیبهشت ۳۷ به جوخه اعدام ارتجاع محمد رضا شاهی سپرده شدند.

جبهه ملی : یکی از نتایج کودتا "سیا" تلاشی جبهه ملی برهبری دکتر مصدق بود پس از کاره گیری دکتر مصدق بقایای جبهه ملی با حفظ همان نام به موجودیت خود ادامه دادند. تشکیلات جدید از سال ۳۳ تا تابستان ۳۹ فعالیت چندانی نداشت و جریانهای سیاسی موجود در آن مانند حزب ایران، حزب ملت ایران، حزب مردم ایران و جریانهای مذهبی ملی که بقایای غیر حزبی نهضت مقاومت بودند فعالیت هایشان از دیدار های دوستانه و انتشار گاه و بیگاه اعلامیه ای، درکادر همان مشی فرمیستی و محافظه کارانه تجاوز نمی کرد. در سال ۳۹ برپایه رشد تضادهای جناحهای مختلفه رژیم وابروی صحنه آمدن امنی توسط امپریالیسم امریکا و مانورهای این امپریالیسم مبنی بر اعطای "دمکراسی" بمنظور جلب بخشی از نیروهای ملی از جمله جناح راست جبهه ملی در راه پیاده ساختن برنامه نواستعماری رفرمها و همچنین مقابله کردن با جنبش افزاینده توده مردم مبارزه جبهه ملی دوم در چارچوب اهداف و شعارهای گذشته آزادگداشته میشود. در چنین شرایطی از فقدان يك سازمان انقلابی جبهه ملی دوم باهمان محتوی سیاسی و شیوه های کهن مبارزه پای به میدان می گذارد. بخش راست جبهه با طرح شعارهای "شاه باید سلطنت کند نه حکومت و" استقرار حکومت قانونی هدف، جبهه ملی ایران است "یعنی شعارهایی که بخشی از امپریالیسم امریکا میتوانست پشتیبان آن باشد سعی در کنترل جنبش می کند. در همین هنگام که جبهه شعارهای سازش طبقاتی را طرح میساخت. آشتی ناپذیرترین بخش های خرده بورژوازی و زحمتکشان با شعار "مرگ بر شاه" به میدان مبارزه گام نهادند. از همین جا بود که امپریالیسم خواهان "دمکراسی" چهره واقعی خود را عریان ساخت و قهر و سرکوب آشکار ضد انقلابی را برقرار کرد. و جبهه ملی که یارای چنین مقابله سختی را ندانست تلاشی گردید. این تلاشی بیانگر تلاشی مشی و شیوه های سازش کارانه ائی بود که بر جبهه و بر رهبری کل جنبش حاکم بود. این شکست شکست تاریخی این جریان سیاسی بحساب می آید.

نهضت آزادی : نهضت کننماینده بخشی از اقشار متوسط جامعه را داشت پس از جدائی از جبهه ملی دوم در اردیبهشت سال ۴۰ بوجود می آید. نهضت در شرایط جدید و متحول سالهای ۴۰ مبارزه قانونی و مسالمت آمیز ضد استعماری- ضد فئودالی را در دستور کار خود قرار میدهد. ولی در این دوره چنین سیاستی نمی توانست او را از

سرنوشت محتوم جبهه ملی بدور دارد چنانکه عملاً در سال ۴۱ از صحنه بیکار می رود.

فدائیان اسلام : این جریان که نماینده تفکر قشر بسیار محدودی از متعصب ترین گروههای خرده بورژوازی سنتی بودند در عین حال که در حرکت خود به ترورهای فردی دست می زدند و از جمله ترور کسروی تاریخ نگار برجسته و محمد مسعود روزنامه نگار مترقی از یکسو و نیز از سوی دیگر ترور منصور نخست وزیر خائن توسط آنان صورت گرفت در ضمن از نظرات عقب مانده و ارتجاعی ای مانند : " شاه باید پدر ملت باشد " نیز پیروی میکردند ، دگماتیسم حاکم بر این جریان سیاسی و از آن جمله مواضع ضد صدقی آن این جریان را به جدائی از مردم کشانده و بهرور در انزوای خود این جریان روبه انحلال رفت .

شکست مجموعه جریانهای فوق در این دوره در واقع شکست مشی و شعار و سازماندهی و اندیشه حاکم بر جنبش بشمار می آید این شکست با توجه به تغییرات اجتماعی این دوره شکستی اجتناب ناپذیر است . شکستی است که در پی خود سر آغاز فصل نوینی از مبارزه را در بر دارد .

۲- قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲ :

اوضاع نامناسب اقتصادی ، فقر و درماندگی زحمتکشان ، فشار ناشی از حاکمیت امپریالیسم ورژیم سرسپرده آنها ، و بالاخره نارضایتی طبقات مردم از شرایط زندگی ، بحران عظیمی در جامعه بوجود آورده بود . این بحران زمانی شدت یافت که شاه بارفم های نواستعماریش میخواست هرچه بیشتر در جهت منافع خود واریابانش ، مردم ما را تحت فشار قرار دهد .

مردم خشمگین و عصیان زده ، جان به لبشان رسیده بود و بالاخره در ۱۵ خرداد سال ۴۲ ، یعنی فقط چند ماه بعد از اصلاحات ارضی نواستعماری "انقلاب سفید" دست به تظاهرات گسترده ای زدند که تا آن تاریخ در ایران کم سابقه بود .

دهها هزار نفر از مردم زحمتکش ایران ، روشنفکران ، بازاریان و روحانیون مبارزه با شعارهای ، ضد سلطنتی ، ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی - بر علیه سیستم حاکم ورژیم متحد و یکپدا شده بودند .

طبقات مختلف مردم ، برای افشای امپریالیسم و نیز افشای رژیم شاه متحد شده و یکپدا به اعتراض برخاستند بخش عظیمی از این نیروها را که بازاریان ، روشنفکران و طلاب مترقی و .. تشکیل میدادند تحت تاثیر افشاگریهای روحانیت مترقی و مبارزه جدی و دگر نیروهای آگاه به میدان آمده بودند . در این قیام یکبار دیگر روحانیت مترقی بدنبال سنت مبارزاتی خود از جنبش مشروطه تا به امروز نشان داد که در کار خلق ستمدیده ما باقی می ماند و بارژیم خونخوار شاه سازش نمی کند .

توده های مردم ، با دست خالی به جنگ با توپ و تانک های ارتش ارتجاعی شاه می رفتند . اما خشم آنها وی پروا ایشان رژیم ایران را با وجود تمام اسلحه هایش هراسناک کرده بود ، زیرا که از هر طرف و در شهرهای مختلف از جمله قم ، ری ، مشهد ، تهران .. بوسیله مردم زحمتکش ماتم دید میشد .

از همان لحظات اول رژیم شاه بارگیرهای مسلسل به این اعتراض بحق مردم پاسخ داد . کماندهای ارتش با تانک دسته دسته مردم را نل عام میکردند و از روی اجساد

شهیدان میگذشتند اما مردم از حمله به همین زره پوشهای نیز دست بردار نبودند ، سنگرش خیابان ها از خون خلق ما رنگین شده بود . درخارج از شهر تهران زحمتکشان را که می خواستند برای شرکت در تظاهرات بطرف تهران حرکت کنند به رگبار مسلسل بسته و قبل از پیوستن به صفوف تظاهرکنندگان آنها را به شهادت رساندند .

در پایان این روز چندین هزار نفر از فرزندان خلق ، باوجود تلاش و مقاومت بی نظیر خود به شهادت رسیدند ، هزار ها نفر مجروح و هزاران نفر دیگر دستگیر و زندانی شدند ، رژیم خونخوار برای سرکوبی مردم و نیز انجام تبلیغات علیه تظاهرکنندگان به حربه اشی متوسل شد تا اینکه بخیال عبث خودش مبارزات مردم را نفی کند و واقعیت را وارونه جلوه دهد عناصر ساواکی خود را بدرون آنها فرستاد ، که بنام مردم مرتکب اعمال کثیفی میشدند از حمله حمله به زنان و آتش زن کتابخانه ها پرداخته و برای تمام کسانی که خود ، فقر و فسادناشی از حاکمیت این رژیم را با گوشت و پوست خود احساس کرده بودند ، کاملاً روشن بود که چه کسی شایستگی ارتکاب به چنین اعمال شنیعی را دارد .

بدین ترتیب رژیم شاه . باکستار هزاران نفر از خلق ما ، در پشتیبانی با کسانی که منافعتش با او مشترک بود ، وحشیانه جنبش مردم ما را سرکوب کرد . *

قیام این روز نشان دهنده ، مقاومت فدائیکاری و جانبازی خلق ما بود ، صفوف مردم چون کوهی از عزم و اراده در مقابل نیروهای مسلح شاه مقاومت کردند اما این وجود قیام شکست خورد . علل اساسی شکست قیام عدم وجود یک رهبری منضبط و سازمان یافته و انقلابی بود زیرا همانگونه که نیروهای که رهبری جنبش را در دست داشتند اصولاً بدلیل مشغی رفقیستی و سازشکارانه حاکم بر آنها عاجز از رهبری مبارزات قهرامیز و بحق توده های میلیونی خلق ما بودند و از آنجائیکه لازمه پیروزی مبارزات بحق توده ها وجود رهبری آگاه که با درک از شرایط و واقعیت میهن بتواند مبارزات توده ها را بسوی پیروزی سوق دهد میباشد قیام خونین پانزده مرداد علیرغم جانبازیها و از جان گذشتگیهای توده های تحت ستم بدلیل عدم وجود رهبری صحیح و انقلابی با شکست مواجه شد .

* قیام تاریخی نیمه خرداد ۴۲ علاوه بر اینکه یکبار دیگر چهره کویه و خونخوار رژیم فاشیستی شاه و اربابان امپریالیستش را نمایاند ، در ضمن پرده از ماهیت ضد خلقی و ضد انقلابی دشمنان دیگر خلق ما نیز برداشت . دولت ضد خلقی و ضد انقلابی شوروی و نوکرش دارودسته ضد خلقی و ارتجاعی کمیته مرکزی با حمله به این قیام توده ها و تأیید کستار مبارزین توده های خلقی توسط چکمه پوشان رژیم شاه بار دیگر دشمنی خود را با خلقهای مبارز نشان دادند . دولت ضد خلقی شوروی در همدانی با رژیم سرسپرده پهلوی در ارتجاعی تبلیغاتی در مورد این قیام چنین گفت : " عناصر ارتجاعی ایران که از اصلاحات این کشور مخصوصاً اصلاحات ارضی ناراضی هستند و افزایش حقوق اجتماعی و توسعه آزادی زنان ایران را باب میل خود نمی یابند امروز در تهران ، قم ، مشهد تظاهرات خیابانی برپا کردند ... آشوب گنده بسویله این عده ایجاب شد بقصد ضدیت با اصلاحاتی بود که از طرف حکومت ایران در دست اجرا است و یا برنامه های آنها در دست تهیه است . رهبران بلوا و محرکین اصلی آنها برخی از رهبران مذهبی بودند و عناصر ارتجاعی ، بازار را به آتش کشیدند ، چند مغازه را مورد حمله قرار دادند و غارت کردند ، اتومبیلها و اتوموسها را درهم شکستند و به چند اداره دولتی نیز حمله ور شدند . "

بدین ترتیب نه تنها این دولت ارتجاعی به تأیید رفقه های نو استعماری بنیاد و امپریالیسم پرداخت به علاوه با وقاحت تمام به لحن پراکی علیه جنبش خلق زحمتکش ماروی آورد ، و وجهه و ماهیت واقعی خود را به صورت آشکاری بر ملا گردانید .

**

در بطن این شکست نطفه جنبش نوین انقلابی بسته شد، در این زمان مشی ها و شیوه های رفرمیستی و پارلماناریستی قاطعانه از جنبش خلق ما طرد گردید و بر این اساس گروهها و سازمانهای انقلابی و مبارز بوجود آمده، رشد کرده و در روند تکاملیشان به معیارها و دستاوردها عمیق انقلابی دست یافتند.

۳- شرایط عینی و ذهنی تولد جنبش نوین انقلابی

بعد از کودتای ۲۸ مرداد و مستقر شدن حاکمیت کامل امپریالیسم آمریکا در تمام زمینه های سیاسی - اقتصادی اجتماعی رفته رفته تغییر و تحولاتی در زیربنای جامعه بوجود آمد. این تغییر و تحولات عبارت بودند از:

باجایگزین شدن سریع سیستم سرمایه داری وابسته و مناسبات اجتماعی مبنی بر استثمار نیروی کار بجای سیستم نیمه مستعمره - نیمه فئودال و مناسبات فئودالی و باتوسعه روز افزون سرمایه داری وابسته فاکت رشد یابنده شدیدی پابصره وجود گذاشت. این فاکت نیروی جوان پرولتاریا و نقش آن در این سیستم بود. سرمایه داری امپریالیستی که بمنظور رفع نیازها و برای پاسخگویی به احتیاجات و منافعش لجام گسیخته به هردری می زد. اینبار در ایران دست به طرح " انقلاب سفید " که اینبار از طرف امپریالیسم و ارتجاع بومی و به اصطلاح برای حل مسائل - دهقانان و در حقیقت برای گسترش پایه های روابط سرمایه داری بمنظور پاسخ گویی به منافع امپریالیستها بخصوص امپریالیسم آمریکا پیاده شد.

اولین اصل از این " انقلاب " که نام " الفای رژیم ارباب و رعیتی " و " رفمهای ارضی " را داشت باعث تجزیه دهقانان از طرفی و روی آوردن بخشی از مالکان بسوی بورژوازی وابسته شد. با پیاده شدن این طرح آن عده از مالکان که توانائی آنها را داشتند تا در سرمایه گذاری برای ایجاد کارخانجات و شرکها و موسسات بزرگ شرکت جویند از این پس بصورت سهامداران یا کارخانه داران بزرگی درآمدند که پول خود را در صنایع و کارخانجاتی که در اصل وابسته به امپریالیستها ی جهانی است بکار انداختند و تبدیل به سرمایه داران بزرگ وابسته و آندسته از پیشه وران شهری و کاسبکاران که قدرت چنین سرمایه گذاری بزرگی را نداشتند یا در ارتباط با بورژوازی ملی بودند رفته رفته به ورشکستگی افتادند و فشار خر دکنده این سرمایه داری جدید را بر شانه های خود چون دیگر اقشار و طبقات خلق احساس کردند و بعضی از آنها تاسطح تولید کنندگان کوچک سقوط کردند.

از طرف دیگر دهقانانی که در ارتباط با این تغییرات قرار داشتند و زمینهایشان را از دست میدادند رفته رفته مجبور شدند که برای سیر کردن شکم خود به شهر ها رو آورده و در کارخانجاتی که هر روز از طرف امپریالیستها و سرمایه های آنها بیشتر میشد، به کار کارگری بپردازند. بنابراین این حرکت و ادامه آن، یعنی تجزیه مالکان به دو بخش سرمایه دار و خرده مالک و سوق دادن دهقانان به سمت کار کارگری که طبیعتا کارگر شدن آنها را بدنبال داشت، وضع جامعه را تنبیر داد.

حالا دیگر با سیستم سرمایه داری بعنوان سیستم حاکم و در طبقه متخاصم خاص این سیستم یعنی طبقه سرمایه داران و پرولتاریا (هر چند این طبقه از نظر کمی و کیفی در سطح پائینی قرار داشت) باتمام ویژگیهایش روبرو بوده، و طبیعتا مناسباتی هم که بین این دو طبقه

حکوم بود ، دیگر همان مناسبات قدیم و کهن بین فئودالها و دهقانان نبود ، بلکه شکل جدید و تازه ای بخود میگرفت .

در این سیستم جدید ، کارگران دیگر به نیروی قابل توجه ، بیش از پیش مهمی تبدیل میشوند که نقش تعیین کننده ای در تغییر و تحولات اقتصادی - سیاسی - اجتماعی ایفاء میکرد و اندوخته ها بر خورده این تغییر و تحولات از برخورد به این طبقه جدا نبود .

و اما شرایط ذهنی در این دوران :

سازمانها و نیروهای مبارزی که با شکست تئوریا و خط و مشی های خود روبرو شده بودند نمیتوانستند در مقابل این تغییر و تحولات عظیم جامعه بی تفاوت بمانند ، تغییر و تحولات زیربنائی بناچار تأثیرات خود را بر روی این نیروها میگذاشت و آنها را مجبور به تفکر میکرد .

نیروهای آگاه جامعه میدیدند که این تغییرات عظیم ، معضلات و مشکلات جدید و خاصی همراه آورده و آنها هم اگر میخواستند صدقانه به آنها جواب گویند ، میبایستی همراه با این تغییر و تحولات ، تغییر کیفی کرده بر آنچنان روابط و ضوابط و معیارهایی - چه از نظر سیاسی و چه از نظر تشکیلاتی دست می یافتند که بتواند پاسخگوی این مسائل ، مشکلات و معضلات جدید باشد و درست جنبش نوین انقلابی در بطن چنین تغییر و تحولاتی با هدف شناخت و درک این مسائل و مشکلات و با حرکت از منافع زحمتکشان توده های خلق و با خواست پیوند شمرده با جنبش توده ها ، پا بعمره وجود گذاشت .

مضمون جنبش نوین انقلابی در این دوره :

همانگونه که توضیح داده شد جنبش نوین انقلابی ایران بر مبنای تغییر شرایط عینی جامعه و یادرس گیری و جمع بندی از تجربیات گذشته جنبش و استفاده از تجارب انقلابات جهانی شکل گرفت .

پس از قیام ۱۵ خرداد و شکست آن ، سازمانهای سیاسی در خلا و سردرگمی سیاسی - تشکیلاتی بسر میردند . تجربه شکستهای گذشته نوعی بی ایمانی یا سر را نسبت بمبارزه و جنبش در آن زمان گروهی از مردم پدید آورده بود ، امپریالیسم و ارتجاع داخلی با استفاده از چنین شرایطی سلطه بیش از پیش خود را بر میهن ما گسترده بودند ، زیرا امپریالیسم همیشه برای بقای خود با استفاده از سرکوب نظامی - فاشیستی سعی در جلوگیری از هرگونه مبارزه ای را دارد و بدینوسیله میکوشد تا سلطه خود را تحکیم بخشد .

از طرف دیگر در این شرایط غیر دمکراتیک ، اقتضای طبقات تحت ستم نه تنها مبارزاتشان بوسیله نیروهای نظامی و پلیس ارتجاع سرکوب میگردد بوسیله سلطه فرهنگ ارتجاعی که بوسیله و طرق مختلف تبلیغاتی بمردم ما تحمیل میشد رژیم مذبحخانه سعی می نمود امکان رشد ذهنی را نیز از توده های خلقی صلب نماید .

در نتیجه دیگر مبارزین واقعی مردم ، آنانکه خواست راستین و حقیقی برای تغییر این نظام پوسیده را داشتند ، نمیتوانستند بد شیوه های قدیمی مبارزه مبادرت ورزند ، تنها راهی که برای مبارزه با ضد انقلاب وجود داشت جمع بندی از عواملی بود که در گذشته سبب شکست نهضت گردیده بودند . این جمع بندی نشان میداد که دیگر نمیشود به شیوه های قدیمی اقدام نمود و " در چهارچوب شعارهای از کار افتاده ای همچون استقرار حکومت قانونی یا بدست آوردن حکومت از طریق شیوه های پارلمانتاریستی " (نقل از : بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق ایران) مبارزه ای جدی را به پیش برد . دیگر نمیشد

مشى رفرمیستی و اصلاح طلبانه را بجای يك مشى ورهنمود قاطع بواى مقابله با دشمن بكار گرفت .

بنابراین اولین وظیفه‌اى که درمقابل سازمانهای انقلابى قرار داشت خطکشی و مرزبندهى با این شیوه هاى مبارزاتى جریانات سیاسى گذشته بود ، زیرا اثبات گردید با بكار بردن طرق مسالمت آمیز ، با دشمنى که تا بدندان سلاح و هر لحظه آماده است تا باشد دید تریسـن وجهى هرگونه نشانى از مبارزه را که پدید آید ، سرکوب کند ، نمیتوان مبارزه کرد . بلکه برای کوتاه کردن دست امپریالیسم و ریشه کن نمودن بساط ارتجاع تنها طریق همان مبارزه قهرآمیز بر ضد رژیم موناکوکـ فاشیستى موجود است که بمثابة دست نشاندۀ و نمایندۀ امپریالیسم عمل میکند . لیکن این امر نمیتوانست بدون تشکیلات مخصوص بنوع مبارزه اى که این شعار طلب مى کرد انجام پذیرد نیروهای انقلابى در شرایط خفقان سیاسى و سرکوب نظامى سازماندهى مناسب با آن را بوجود آوردن ، تشکیلات و گروههاى با نوع سازماندهى مخفی - سیاسى و کاربرد قوانین پیشرفته هدایت و کنترل يك سازمان انقلابى متكى برا ساس جمعبندهى از تجربیات مربوط بمبارزات گذشته و سازمانهای انقلابى کشورهای دیگر پابصره وجود گذاشت .

" بعلت حاکمیت پلیسى بعد از سال ۳۲ فعالیت سیاسى عمدتاً بشکل زیرزمینى به حیات خود ادامه داد و غیر از يك دوره ۲ ساله (۴۱-۳۹) که برخى سازمانهای سیاسى - ملی امکان فعالیت علنى یافتند در بقیه ادوار این تنها شکل حاکم فعالیت های سیاسى در ایران بشمار میرفت " (نقل از ، بیانیه اعلام مواضع ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق ایران) . در این مرحله برای مبارزه با چنین رژیمى که بدلیل ماهیت ارتجاعى و وابسته خود قهر ضد انقلابى در مقابل کلیه جریانات رو بر شد و مترقى جامعه اعمال میکرد . تنها قهر انقلابى توده‌هاى میتوانست بمثابة استراتژى جنبش قرار گیرد .

در این زمان که بر اثر وجود شرایط اختناق و سرکوب و خیانت رهبران فرارى حزب تود ه بخشى از مردم نسبتبه مبارزه بدبین شده و مردم مبارزه سیاسى را از طرق گذشته یعنى مبارزه پارلمانتاریستى و رفرمیستى برای خود راه نجات نمیدانستند . این وظیفه تشکلات انقلابى بود تا راه صحیح مبارزه با رژیم ارتجاعى و اهرمهای سرکوبگر آنها پیدا کنند و با مبارزه خود ساهیت پوشالى رژیم را به توده مردم بشناسانند و به آنها نشان دهند که چگونه باید قدرت خود را در مقابل ارتش ضد خلقى رژیم که عمده ترین عمال بقای سلطه امپریالیسم است بكار اندازند و با آن مبارزه کنند . مبارزه‌اى که ضرورتهاى تاریخی پیروزی آن را تضمین میکند .

۴- دستاوردهاى جنبش نوین انقلابى و مبارزات گونى توده هاى خلق

این چنین بود که تولد جنبش نوین انقلابى همان موقعى در میهن ما صورت گرفت که مرگ - تاریخی گرایشات رفرمیستى تلاش عناصر واقعا مبارز برای پیدا کردن راه نو ، خود دال بر ورشکستى رفرمیسم بود ، به قول رفقای مجاهد :
" در واقع در بیش از ده سال پیش از این ، یعنى وقتیکه بورژوازی وابسته تازه به حاکمیت رسیده ایران ، باتمام وحشیگری ذاتیش ، هزاران تن از مردم بیگناه ما را به رگبار مسلسل بست و بیش از ده هزار کشته را در یک روز در قبرستان متروک اطراف تهران پشته کرد ، در همان موقع

این گرایشات نیز به دل خاک سپرده شدند. (نقل از سازمان مجاهدین خلق ایران - مقدمه‌ای بر " اعلامیه کمیته هماهنگی انقلابی سازمانهای انقلابی آمریکای لاتین ")
هرچند که امروز پیاده شدن سیاستهای جدید امپریالیسم آمریکا بعضیها را واداشته که با قوت قلب بیشتری این گرایشات به دل خاک سپرده شده را تبلیغ کنند ، ولی باید گفت که تاریخ هرگز بعقب بر نمی گردد . اگر این درست است که هیچ سیاست امپریالیسم جهانخوار چه کهنه و چه جدید و توسل به هیچ حربه ارتجاع بومی نمیتواند جلوی رشد جنبش انقلابی میهن مارا سد نماید ، این نیز درست است که تشبثات رفرمیستی - سازشکارانه هیچ نیرویی نمیتواند - حرکت تاریخی خلق را از مسیر اصلی خود منحرف نماید .

فائیسیم محمد رضا شاهی با تقبل اجرای نام و تمام دستورات ارباب جدید و با کسب نائید او . علیرغم جاروجنگالی که پیرامون " آزاد کردن " چند صد نفر از صد هزار زندانی سیاسی و دعوت از مردم به " اظهار نظر بدر برنامه های دولت " و عوامفریبی هایی از این قبیل . نه تنها برای سرکوبی انقلابسیون و مبارزات اقشار و طبقات خلقی و افراد و عناصر مرفقی و رزمنده از هیچ کوششی فرو گذار نمیکند . بلکه حتی طاقتشندین گله و شکایتی رفرمیستها و حرکت سازشکارانه لیبرال های تسلیم طلب و کمیته مرکزی خائن را نیز ندارد . چنین شرایطی است که تنها آلترناتیوی که از حقانیت تاریخی برخوردار است مشی انقلابی پیشگامان جان برک خلق است . جنبش نوین انقلابی با مرزبندی روشن و بارز با کلیه مشی های سازشکارانه و متزلزل ، آشتی ناپذیری تضاد بین خلق و ضد خلق را مطرح میکند ، یعنی درکادر سیستم موجود هیچ وجه مشترکی را بین خلق و ضد خلق قائل نیست و معتقد است که تضاد خلق معدوم نشده ، هیچ راه علاجی برای درهای چند هزار ساله خلق وجود ندارد

برای حل تضاد بین خلق و ضد خلق پیشتازان انقلاب فقط يك راه پیشنهاد میکنند :
راهی که با مرگشویه های کهنه مبارزه واجمع بندی از شکستهای گذشته مطرح گردید این راه قهر انقلابی است که در مرحله توده ای شدن انقلاب به شکل مبارزه مسلحانه توده ایی مطرح خواهد شد این راه راه انقلاب توده هاست .

جنبش انقلابی میهن ما معتقد است که مسئول کلیه ستمدیدی های خلق ، رژیم دست نشانده شاه سک زنجیری امپریالیسم آمریکا میباشد . بنابراین تنها موقی تضاد بین خلق و ضد خلق حل میگردد که اولاً : رژیم مغفور کونی با کلیه جناحهای خود سرنگون شود و به قدرت رسیدن هیچ جناح ضد خلقی از جناح شاه گرفته تا دارودسته خائن کمیته مرکزی دیگر میسر نگردد . و ثانیاً : کلیه امپریالیستها و قدرتهای بزرگ و کوچک ارتجاع جهانی از ایران بیرون رانده شوند و درهای میهن ما به روی همه آنها خواه امپریالیسم خونخوار آمریکا که در حال حاضر امپریالیسم نالب در ایران است ، یا امپریالیستهای گوناگون اروپائی و یا دولت ضد خلقی - ضد انقلابی شوروی برای همیشه بسته گردد . و از آنجائیکه سرنگونی رژیم کنونی از قطع نفوذ کلیه امپریالیستها جدا نیست . پیشگامان انقلاب خلق ما مبارزه علیه امپریالیسم جهانی و ارتجاع بومی را با هم مطرح میکنند .

سازمان مجاهدین خلق ایران ، در رابطه با اعنام انقلابی سه مستشار آمریکائی که در پاسخ کویی به خواستهای واقعی خلق ما در زمینه مبارزه ضد امپریالیستی ، انجام داد . چنین میگوید :
" سالیان درازی است که مبارزه ضد امپریالیستی خلق ما علیه سلطه استعمارگران سرمایه داری تجاوز گر جهانی ، به اشکال گوناگون جریان دارد . زیرا مبارزه ضد امپریالیستی در میهن ما ، همواره

جزء تجزیه ناپذیری از مبارزه علیه رژیمهای دست نشانده طبقات ارتجاعی حاکم در ایران بوده است. (نقل از اعلامیه سیاسی-نظامی شماره ۲۴ سازمان مجاهدین خلق ایران درباره اعدام انقلابی سه آمریکایی لجا سوس و مستشارفنی نیروی هوایی رژیم شاه مزدور)

اینهاست از جمله نکات مهمی که قاطعیت و رزمندگی جنبش انقلابی خلق ما را مشخص میسازد و آن را از کلیه مشی های متزلزل و سازشکار متمایز مینماید. دموکراسیم پیگیری که از طرف پیشگامان انقلاب ایران طرح میشود، تنها نتیجه ارائه نظری این نکات نیست بلکه همچنین و خصوصاً شاعرانه اجرای شبانه روزی آنهاست. با این پراتیک انقلابی است که جنبش نوین انقلابی برای احقاق آنچه نظراً بیان میکند، عملاً حرکت تاریخی خود را به پیش میرود و بدین ترتیب اعتقاد عمیق خود را به آنچه اظهار میدارد نشان میدهد. برای اثبات این گفته کافی است به فهرست نام شهدای راه انقلاب در چند ساله اخیر نظری بیافکنیم تا نه تنها نام صدها دلاور جان بر کف را ببایم بلکه رهبران سازمانهای انقلابی را ببینیم که نه در گوشه ای امن خزیده و تئوریهای انقلاب صادر میکنند، بلکه در سنگر اول نبرد رویاروی با دشمن خونخوار تا آخرین دم مبارزه کرده و با خون سرخ خود راه انقلاب ایران را گلگون تر نمودند. احمدزاده ها، رضائی ها، پیویان ها، ناصر صادق ها و وحید افراخته ها. حمید اشرف ها بهرام آرام ها و ده ها رهبر انقلابی دیگر زندگی و شهادت پرافتخار خود اعلام داشتند که جای رهبران راستین انقلاب بر صف اول جبهه نبرد است و فقط در پراتیک انقلابی است که تئوری انقلاب تدوین میشود و غنی میگردد. جنبش انقلابی میهن ما علیرغم حملات بی وقفه کلیه بخشهای ارتجاع ایران، از آنجمله د اردوستانه ضد خلقی کمیته مرکزی و طلیغ انحرافات و فرمیستی و اپورتونیستی گوناگون و امروز مشی بورژوازی لیبرال که سعی در به بیراهه کشاندن جنبش دارند، از هرکلی پویا و پیش رونده برخوردار است؛ حرکتی که درونمای امیدوار کننده ای را در پیش پا دارد. این حرکت که هر کوتاه - چهارده ساله خود را در شرایط حاکمیت یکی از شدیدترین و خونخوارترین دیکتاتوریهایی تاریخ پشت سر گذاشته است، به کسب دستاوردهای مهمی نایل آمده که خود را در برحقانیت این جنبش انقلابی میبازد.

یکی از مهمترین این دستاوردها طرح لـسـزیم سمگیری توده های واقداً به جوابگویی به این ضرورت است. جنبش نوین انقلابی همینکه سالهای اولیه موجودیت خود را پشت سر گذاشت مسئله لزوم برقراری یک رابطه ارگانیک با توده های خلقی را دستور کار خود قرار داد. در واقع پیشگامان خلق، برقراری این رابطه را نه تنها راه بقای انقلاب ایران، بلکه تنها راه رشد آن تاحد انقلاب توده ای ارزیابی میکنند و معتقدند که فقط از طریق پیوند با توده های خلقی است که اندیشه رهائی بخش از طرف پیشتازان جنبش خلق میتواند به توده ها سرایت کرده آنها را متشکل نموده و انقلاب را وارد مرحله مبارزه قهر آمیز دراز مدت توده ای بنماید؛ مرحله‌ای که در آن سبیل خروشان انقلاب به رژیم مزدور پهلوی این سگ زنجیری امپریالیسم یانکی خواهد تاخت تا با سرنگونی آن کلیه امپریالیستها را برای همیشه از وطن ما بیرون براند. مسلماً پیشقراولان انقلاب میهن ما نمیتوانستند به این خوش باوری دچار باشند که برقراری این پیوند به سهولت انجام خواهد پذیرفت بلکه بخوبی آگاهند که در شرایط دشوار فاشیستی حاکم بر ایران این امر مستلزم تلاش و جاننازیهای فراوان انقلابیون میباشد. بعبارت دیگر برای اینکه توده به نقش خود در انقلاب آگاه شود، احتیاج به یک دوران انتقالی دارد که صبر و صداقت انقلابی را از پیشتازان خلق میطلبد. در واقع این حرکت انقلابیون در رفتن به درون توده های

زحمتکش خلقی است که ضامن ارتقاء آگاهی توده ها میشود و آنها را بمیدان مبارزه انقلابی برای سرنگونی قهرآمیز رژیم منقر شاه خواهد کشید .

با چنین درک درستی بود که پیشگامان جان برکف خلق دلیرانه پای به میدان مبارزه گذاشتند . خون سرخ صدها انقلابی شهیدی که در چند سال گذشته با عشق خلق دردل وبا کینه بی پایان به ضد خلق ، جان باختند ، نهال انقلاب را بارورتر کرد و سنگیری پیشتاز را بسوی توده ها دقیق تر و مصمم تر نمود . امروز که بیش از چهارده سال از تولد جنبش نوین انقلابی میگذرد . رشد مبارزات پیشگامان خلق ونیز رشد جنبش های توده ای اقشار و طبقات خلقی مسئله پیشرفته تری را در رابطه با لزوم سنگیری توده ای جنبش انقلابی مطرح میسازد .

مبارزات توده ای اقشار و طبقات مختلف خلقی در چند ساله اخیر از کیفیتی برخوردارند که در طول حکومت کودتا بیسابقه بوده است . امروز کارگران وزحمتکشان شهری ، دهقانان ، دانشجویان ، طلاب و روحانیت مترقی و دریک کلام کل خلق در مقابله با استثمار سرمایهداری وابسته و ستگری و دیکتاتوری حاکم ، مبارزات خود را هرچه وسیعتر ورزمنده تر به پیش میبرند . در این میان جنبش های خودبخودی ستم دیده ترین اقشار و طبقات خلقی یعنی کارگران و دیگر زحمتکشان شهری ونیز روستائیان ، اهمیت خاصی دارا میباشند . این جنبش ها که عمده تا صنفی - سیاسی میباشند و خواستهای بحق زحمتکشان خلق را برای تامین ابتدای ترین احتیاجات اولیه زندگی مطرح میکنند ، طبیعتا با سرکوب خونین مزدوران رژیم شاه جنایتکار روبرو میشود . این سرکوب گرچه تلاشی عبث درخوردن روحیه مبارزاتی زحمتکشان دارد ، بالعکس باعث افشای هر چه بیشتر خود رژیم وبالا رفتن نسبی سطح آگاهی سیاسی زحمتکشان میشود .

علت اصلی تشدید ورشد مبارزات خودبخودی زحمتکشان ایران را در شرایط دشوار اقتصادی اجتماعی حاکم بر مبین ما میتوان یافت . در واقع وضع اسفناک زندگی اقشار و طبقات ستمکش خلقی که در تمام دوران حکومت کودتا در سطح ابتدای ترین شرایط زیستی قرار داشته در چند ساله اخیر بمراتب بدتر شده است .

امپریالیسم جهانی وبویژه امپریالیسم آمریکا که از ارفی میلیارد ها تومان درآمد نفت ایران را جابرانه تصاحب کرده و قسمتی از آنرا نیز به جیب رژیم سرسپرده شاه خائن سرازیر میکند و از طرف دیگر بخشی از نتایج بحران اقتصادی خود را به ایران و کشورهای تحت سلطه دیگر صادر مینماید ، باعث بروز مشکلات بازهم بیشتری برای اقتصاد وابسته ایران گشته است . بدرانی که امروز اقتصاد بیمار مبین ما دچار آنست و شدیدترین ضرباتش را بر خلق زحمتکش ما وارد میسازد ، - ناشی از همین واقعیت است . اما سرمایهداری وابسته ایران باین افکا نکرده وبآنگاه از لاترین نرخ های سود نسبت به خیلی از کشورهای سرمایه داری بهره مند است ، اینک بانوسل بوسایل مختلف ، سنگینی بار بحران وتورم موجود را هرچه بیشتر بردوش زحمتکشان ایران و درو هله اول بردوش کارگران ایران قرار میدهد وبه استثمار وحشیانه خود ابعاد جدیدی میبخشد .

طبیعی است که چنین ظلم و ستمی نمیتواند خشم و کین طبقاتی زحمتکشان و مخصوص کارگران را بر نیانگیزد . و بدین علت است که در چند ساله اخیر شاهد اوجگیری مبارزات زحمتکشان ایران بوده ایم و باز بهمین علت است که پرحانه ترین ومهم ترین این مبارزات را در جنبش کارگری میتوان یافت . گواه این گفته اعتصابات پرشکوه کارگران چیت ری ، چیت ممتاز ، بافکار بی اف گوریچ ، بنز خاور ، بوتان گاز ، کاغذ سازی یارس هفت تپه و دهها اعتصاب دیگر میباشد .

این اعتصابات که بخاطر تامین ابتدایی ترین حقوق کارگران برگزار میشوند و درخواستهای صنفی (حق تشکیل سندیکاهای واقعی، حق انتخاب نماینده، واقعی، تاسیس شرکت تعاونی و...) و نیز مطالبات اقتصادی (افزایش دستمزد، دریافت حقوق مسکن و افزایش آن، افزایش سود ویژه و...) را مطرح میکنند، مقابله مستقیم ابزار و وسایل سرکوب سیاسی - پلیسی - نظامی را در پیش روی دارند. اما پاسخ کارگران مبارز به این سرکوب، مبارزه بازهم بیشتر است. شرح اعتصاب کارگران یکی از این کارخانه ها، به نقل از "فوق العاده خبری" قیام کارگر" ارگان کارگری سازمان مجاهدین خلق ایران، این مطلب را بخوبی نشان میدهد:

" در این میان، کارگران قهرمان جیت سازی تهران (بافکار)، براسستی حماسهای از مقاومت، اتحاد و همبستگی کارگری را به نمایش گذارده اند. آنان علیرغم همه تهدیدات نیروهای پلیس (ساواک)، مجموعاً ۶ روز کارخانه را بطور کامل در اشغال خود نگاهداشتند. پلیس بارها و بارها آنها را تهدید به مرگ کرده و بارها و بارها اخطار کرد که اگر کارخانه را ترک نکنند آنها را به مسلسل خواهد بست. اما جواب کارگران تنها این بود: " مرگ از این زندگی بهتر است، پس بگذارید آنها ما را به مسلسل ببندند."

• شورش های دهقانی نیز بخش مهم دیگری از مبارزات اقشار و طبقات زحمتکش خلق را تشکیل میدهد که حاکی از تضاد آشتی ناپذیر توده های محروم خلق با این رژیم خود فروخته میباشد. قیام دهقانان اطراف رودسر، رودبار، طبیک ده از توابع بهشهر، تشبندان اطراف نور مازندران و غیره نمونه هایی از مبارزات چند سال اخیر روستائیان ستکس میهن ما هستند. " انقلاب سفید " که با درهم پاشیدن ساخت سنتی کشاورزی ایران، سعی در وابسته کردن مستقیم روستاهای ایران به سیستم اقتصادی سرمایه داری جهانی نمود، از طرفی تعداد قابل توجهی از کشاورزان بریده شده از زمین را به شهرها گسیل داشت تا به خیل بیکاران شهری بپیوندند یا در شمار زحمتکشان شهری درآیند و از طرف دیگر وضع اقتصادی بقیه کشاورزان ستکس را که در روستاها باقی مانده بودند سال بسال وخیم تر و طاقت فرساتر کرد. شورشهای دهقانی که در چند سال اخیر شاهدش میباشیم عکس العمل طبیعی این بخش از رنجبران میهن ما در مقابل استثمار رژیم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است.

جنبش های خود بخودی اقشار و طبقات خلق به جنبش کارگری و دهقانی خلاصه نمیشود. در شهرها، علاوه بر مبارزاتی که خاص طبقه کارگراست و در کارخانجات انجام میگردد، شاهد مبارزات دیگری نیز هستیم که طیف وسیعتری از زحمتکشان شهری را در بر میگیرد که نمونه بارز آن مبارزه زحمتکشان شهری در مقابل با تخریب خانه هایشان از طرف رژیم شاه جلال میباشد. این مبارزه سالهاست جریان دارد ولی در سه سال اخیر بخصوص در طی چند ماه گذشته ابعاد جدیدی بخود گرفته است و در حرکت تکاملی خود از مبارزه محلی تا ایجاد نوعی تشکیلات برای اعمال قهر ضد انقلابی دشمن و سپس تا اتحاد وسیع زحمتکشان در این مبارزه پیش رفته و امروز در سطح وسیعی از مناطق " خارج از محدوده " شهر تهران و شهر ری یعنی شمیران، نو نارمک، نعمت آباد، یافچی آباد و... بشکل پیروزمندی گسترش یافته و حتی قادر گشته است از رجاء را به عقب نشینی وادار نماید.

کافی است به مبارزه یکی از این محلات یعنی شمیران نو نارمک نظری بیافکنیم تا ببینیم چگونه زحمتکشان دلیر، در مقابل اقدامات ضد خلقی شهرداری، در عرض فقط چند ماه، از

يك مقاومت منفی به يك مبارزه قهرا میز میرسد :

" نفرت و کینه عمیق مردم نسبت به شهرداری، در ابتدا بشکل مقاومت منفی بروز میکرد. مثلاً یکبار که کارد شهرداری برای خراب کردن خانه ای آمده بود، صاحبخانه زحمتکش، بایک کارد قصابی جلوی درخانه ایستاده و به مزدوران ضد خلقی میگوید: " اگر يك قدم دیگر جلو بیایید خودم را میکشم ". مقاومتی از این قبیل تا خرداد ماه سال جاری تنها شکل مقاومت مردم بود. در این زمان مردم که تحملشان تمام شده بود و از مقاومت منفی هم نتایجی نگرفته بودند تصمیم میگیرند جواب زورگوئیهای شهرداری را بازور بدهند و از تجاوز ماموران شهرداری جلوگیری کنند. عده ای از مردم شمیران نو مخپخانه اتحادیه ای تشکیل میدهند و قرار میدارند که جواب دندان شکنی به زورگوئیها و تجاوزات ماموران شهرداری بدهند و میگویند: " یا آنها ما را میکشند و یا ما پیروز میشویم. " (نقل از قیام کارگر شماره ۲ - ارگان کارگری سازمان مجاهدین خلق ایران - اسفند ۱۳۵۴).

مسئله رشد امروزی جنبش های خود بخودی کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان ایران در این چند نمونه که ذکرش رفت خلاصه نمیشود ولی مابین مختصر انگاش می نائیم. فقط نکته ای که اشاره بآن ضروری است اینست که خود بخودی بودن مبارزات اقشار و طبقات زحمتکش خلقی، طبیعتاً معنایی نسبی دارد و در چند ساله اخیر، بمیزان رشد این مبارزات از خود بخودی بودن آن نیز کاسته میشود. چنانکه نه تنها تعقیب پیرویه این مبارزات این واقعیت را بخوبی نشان میدهد، بلکه اگرچه پراکنده ولی در بسیاری از آنها وجود يك رهبری و یا وجود جنبه های از فعالیت عنصر آگاه محسوس است.

رشد مبارزات خود بخودی و رشد جنبش انقلابی که هم اکنون تاثیراتی از یسکه گیری پذیرند، مسئله ای را که برای بخشی از انقلابیون ما مطرح میکند، دیگر نه فقط لزوم سمگگیری پیشتازان خلق بسوی توده هاست، بلکه ضرورت تلفیق جنبش انقلابی و جنبش های خود بخودی، یعنی ارتقاء سطح مبارزات خود بخودی تا سطح سیاسی و انقلابی میباشد. مبارزات خود بخودی که معمولاً با طرح درخواستهای احقاق ابدای ترین حقوق يك انسان زحمتکش شروع میشوند بعلت ماهیت فاشیستی سرمایه داری وابسته ایران مستقیماً و قوفاً ابزار و وسایل سرکوب رژیم مواجه میشود و نتیجتاً سرعت رادیکال تر میگردند بهمین علت است که هرگاه این مبارزات در تماشای ارکانیک با جنبش انقلابی قرار گیرند، توانایی آنها دارند که ب سرعت بصورت مبارزه قهرآمیز توده ای برای سونگونی رژیم دست نشانده پهلوی، در آیند.

جنبش انقلابی میهن ما نقطه آن رهبری واقعا انقلابی است که با غالب کردن مشی دموکرا - تیسم پیگیر خود بر جنبش خلق، هرچه شکوفان تر شده و با بسیج خلق انقلاب را به پیروزی خواهد رسانید. در واقع پس از تولد جنبش نوین انقلابی و بارش چند سال اخیر آن و نیز با رشد جنبش های خود بخودی اقشار و طبقات زحمتکش خلقی، اکنون امکان تلفیق بین این دو نوع مبارزه یعنی تدارك مبارزه مسلحانه و پیرویه ای پدید آمده است که در حال رشد میباشد و با حرکت تاریخی خود رژیم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم را درهم خواهد کوبید. طرح لزوم تلفیق بین جنبش انقلابی و جنبش های خود بخودی و توجه بیش از پیش به سمگگیری بسوی زحمتکشان موقعی از طرف بخشی از پیشتازان خلق عنوان شد که جنبش نوین انقلابی توانست به دستاوردهای مهمی در برقراری روابط متقابل با روشنفکران خلقی و با اقشار پائین و متوسط خرده بورژوازی سنتی شهری نایل آید.

اقتدار متوسط پرائین خرده بورژوازی سنتی شهری یعنی بازاریان، طلاب و روحانیون مترقی و بطور کلی اقلیتی که از نظر اقتصادی در سطح نسبتاً پائین قرار دارند، در نتیجه مبارزات هشتاد ساله شان از آگاهی نسبی و سطح مبارزاتی قابل توجهی برخوردارند. رادیکالترین عناصر این اقلیت امروز، پس از شکست اشکال قدیمی مبارزات در قیام خرداد ۴۲، در ادامه طبیعی مبارزه طبقاتیشان به جنبش انقلابی گشائیده میشوند تا در مقابل سیستمی که شدیدترین فشارهای اقتصادی-سیاسی-فرهنگی را بر آنها وارد میکند، ایستادگی نمایند. روشنفکران خلقی نیز در پرتاب مبارزه طبقاتیشان بطور طبیعی به قهر انقلابی روی میآورند، چرا که درحین این پرتاب درمی یابند که رژیم دیکتاتوری حاکم با احقاق مطالبات دموکراتیک آنها وکل خلق تضادی آشفتنی ناپذیر دارد. دانشجویان، بمثابة بخشی از روشنفکران، بیش از پیش در همسو کردن مبارزات خود، با مبارزات انقلابی پیشاز ان خلق گام برمیدارند. جنبش دانشجویی ایران، تحت تاثیر جنبش انقلابی وائتکا، به تجارب مبارزاتی چندین ساله اش به مرحله نوینی از رشد قدم گذارده است که اساسی ترین مشخصه آن سیاسی تر شدن مضمون آن و پیدایش ورشد هسته های متعدد مخفی دانشجویی و تشکل و سازمان یافتن دانشجویان مبارز، حول این هسته هاست.

دانشجویان دلاور دانشگاههای ایران، بادرک آشفتنی ناپذیر تضاد بین خلق و ضد خلق، مبارزات خود را هرچه قاطعتر به پیش میبرند. مبارزات اخیر دانشجویان ایران که از طرفی با بیست و چهارمین سالگرد شهادت سه دانشجوی قهرمان دانشکده فنی وازطرف دیگر با سفر شاه خائن به پایبوسی ارباب جدید وکسب تائیدات لازم از او مصادف میباشد و مبارزات اقتدار و طبقات دیگر را به همراه داشته و هم اکنون ادامه دارد، بخوبی نشان میدهد که دانشجویان رزمنده در مبارزه قهرآمیز با این رژیم خونخوار از دادن شهید و اسیر ایثی ندارند و تشکل قاطع مبارزه شان بروشنی خط کسی آنها را با مترلرلین و سازشکاران گوناگون نمایان میسازد. جنبش دانشجویی خارج از کشور نیز، علیرغم انحرافات مهمی که برخشهایی از آن حاکم است، در طول مدت حیات خود توانسته است مبارزات باارزشی درافشای رژیم مزدور پهلوی بنماید، چنانکه اخیراً در رابطه با سفر شاه جلال، شاهد یک نمونه از این مبارزات بودیم.

رشد جنبش انقلابی بطور اعم و برخوردار هرچه فعالتر آن به جنبش دانشجویی بطور اخص تاثیراتی مهم بر جنبش دانشجویی خارج از کشور بجای میگذارد. این تاثیرات طبیعتاً عرصه را بر اپورتونیستهایی که حیطة عملشان عمدتاً در جنبش دانشجویی خارج است ولی با این وجود برای خود هویت ایدئولوژیک-سیاسی-سازمانی کاملاً مستقل از جنبش انقلابی ایران قائلند، روز بروز تنگتر نموده و تعداد بیشتری از توده دانشجویان را از پیروی از مشی های اینان باز میدارد. درواقع امروز شاهد پروسای هستیم که در طی آن دانشجویان رزمنده خارج از کشور درجهت همسو کردن هرچه بیشتر حرکت مبارزاتی خود با اهداف جنبش انقلابی خلق ما و پذیرش مشی قاطع موجود در آن، گام برمیدارند. معالوصف بدون یک مبارزه پیگیر و قاطع علیه گتیه نیروهای اپورتونیستی نمیتوان مشی های انحرافی اینان را کاملاً طرد نمود.

* * *

امروز اقتصاد سرما به داری وابسته ایران در بحران فزاینده‌ای قرار گرفته است. اقتصاد کشاورزی تخریب گردیده، تعادل بین صادرات غیر نفتی به واردات به نسبت ۱ به ۳۶ رسیده، تورم و گرانی موجود به بیش از ۳۰٪ افزایش پیدا نموده، اقتصاد وابسته رژیم به ۷ میلیارد دلار کسری بودجه گرفتار آمده و نیز امروز بورژوازی کمپرادور رژیم سیاسی سر سپرده اش در شرایط بحران عمومی امپریالیسم در سطح جهانی در خود بیش از هر زمان دیگر تضادهای و تناقضات دینای امپریالیستی را منعکس ساخته و جناحهای گوناگونش برای غارت خلق ویران سهم بیشتر از آن به رقابت افزونتری پرداختند.

رژیم مغفوری پهلوی این سنگ زنجیری امپریالیسم آمریکا در تلاش مذبحخانه اش برای نجات از این بحران و درخوش خدمتی هرچه بیشتر باریابان خونخوارش، نه تنها با تمام قوا در جهت استثمار هرچه وحشیانه تر خلق ستمدیده و تاراج خائنه تر منابع طبیعی میهن ما میکوشد، نه تنها بخش عمده نتیجه این استثمار و چپاول خود را بیشماریه به اربابان امپریالیست و بویژه امپریالیسم آمریکا میسپارد، بلکه برای تضمین اجرای این غارت و چپاول خود از دست زدن به شدیدترین شیوه های پلیسی- سیاسی نیز ابا ندارد. بمبارت دیگر دیکتاتوری ای که از طرف رژیم محمدرضاشاه جلال اعمال میشود جز لاینفک سیستم اقتصادی حاکم در ایران یعنی سرمایه-داری وابسته به امپریالیسم میباشد. این از آن تگانی است که رفرمیستها از درك عاجزند و با دنبال کردن مشی لیبرالهای سازشکار و ایجاد کردن روتنا از زیر بنا خواب "دمکراسی" رالبنه باید محدود خودشان می بینند، غافل از اینکه دموکراسی واقعی فقط فقط با سرنگونی قهرآمیز رژیم شاه و قطع کامل نفوذ امپریالیستها از طریق جنگ طولانی توده ای امکان پذیر است. مبارزه اقشار و طبقات مختلف خلقی، دانشجویان، روحانیون مرفقی، بازاریان، دهقانان، کارگران و زحمتکشان شهری و نیز مبارزه پیشتازان انقلابی آن جواب دندان شکنی است که از طرف خلق دلاور ما به این همه استثمار و زورگویی ارتجاع حاکم و به کلیه تشبثات سازشکاران و مترزترین گوناگون داده میشود.

در مقابل این مبارزات اوج گیرنده، رژیم استبداد مذبحخانه تلاش در سرکوب آنان میکند و مخصوصاً به تیز حمله خود را بسوی جنبش نوین انقلابی نشانه رفته است و با کشتار وحشیانه پیشگامان راستین خلق و دستگیریشان به خیال خود کمر به نابودی کامل آنها بسته است. هر روز ما شاهد شهادت يك انقلابی در میدان خونین نبرد و بابه اسارت افتادن انقلابی دیگری هستیم. زندانهای شاه جلال از انقلابیون میهن ما پر است. البته چون فاشیسم محمد رضا شاهی هیچگونه حرکت آزادیخواهانه را نمیتواند تحمل کند، نه تنها انقلاب-بیون بلکه مبارزین دیگر را نیز در بند میکند. این چنین است که امروز رقم زندانیان سیاسی ایران به ۱۰۰۰۰ نفر میرسد. فاشیسم حاکم امروز حتی سازشکاران را نیز از پرخاش خود بی نصیب نمیکند و با اعمال شدیدترین شیوه های استبدادی بر توده بشیوت میرساند که راه از بین رفتن اینهمه بیدارگری و ظلم و ستم فقط فقط و فقط نابودی خود این رژیم است. این را جنبش انقلابی میهن ما بخوبی درك کرده است و نه کشتار، نه زندان، نه شکنجه نمیتواند جلوی ادامه مبارزه انقلابیون ما را بگیرد. شکنجه های قرون وسطایی دژخیمان ساواک و شرایط طاقتفرسای زندانها نه تنها مبارزین را از پانمی اندازد بلکه آنان زندان را هم بیک میدان مبارزه تبدیل میکنند و نشان میدهند که برای مبارز واقعی همه جا جبهه نبود است. پیشتازان خلق نه تنها زندانها را به مدرسه انقلاب بدل نموده و باعث تربیت عناصر انقلابی جدید میشوند.

پیشقراولان انقلاب ایران با طرح قهر انقلابی . با تبلیغ آشتی ناپذیری تضاد بین خلق و ضد خلق، با زیر سؤال قرار دادن کل ارتجاع ایران وکل حضور امپریالیسم با طرح لزوم سنگبری توده‌های وقدم برداشتن در راه تدارك انقلاب مسلحانه توده‌ای، تنها آلت‌رناتیو در ست برای پیروزی خلق را ارائه داده و بدین ترتیب خط کسی روشن و بارزی با کلیه بیراهه‌ها نموده اند . بهمین علت است که نه تنها هدف حملات سخت ارتجاعیون از باند شاه جلاد گرفته تا لیبرال‌های تسلیم طلب و دارودسته وطن فروش، کمیته مرکزی، میباشند، بلکه جریانات انحرافی درون خلقی نیز برای حفظ خود و برای جلوگیری از افشا شدن بیش از پیششان تا آنجا که ماهیت و توانشان اجازه شان میدهد به جنبش انقلابی خلق ما می‌تازند .

حرکت روبرشد جنبش نوین انقلابی که علیرغم اعمال دیکتاتوری طبقاتی سرمایه داری وابسته، ایران و علیرغم کلیه تشبیهات مذبحخانه‌ای که بمنظور به گجراه کشاندن جنبش از طرف ارتجاعیون و یا جریانات انحرافی مختلف اعمال میشود، با طی راهی نه چندان طولانی لیک سخت و پیچیده با کسب دستاوردهای با ارزشی که به قیمت دریایی از خون جانبازی آگاهترین فرزندان خلق بدست آمده، که ما بخشی از این دستاوردها را در این مقاله معرفی کردیم؛ امروز در مقابل خود چشم اندازه‌های شورانگیزی را میبیند . جنبش‌های توده‌ای و بخصوص مبارزات خودبخودی زحمتکشان نیز در نتیجه شرایط ستگرانه اقتصادی- اجتماعی- سیاسی حاکم بر میهن از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار شده و امکان تلفیق آن با مبارزات پیشتازان خلق برای شروع انقلاب مسلحانه توده‌ای بتدریج بیشتر میگردد . با اینهمه بادر نظر گرفتن جوانی جنبش انقلابی، خطر اینکه جریانات ارتجاعی مانند مشی تسلیم و سازش بورژوازی لیبرال یا انحرافی در کوتاه مدت بتوانند با شیوه‌های سازشکارانه خود جنبش خلق را به بن بست موقتی بکشانند، بهیچوجه منتفی نبوده و مبارزه قاطع با این خطروظیفه کلیه کسانی است که معتقد به دموکراتیسم پیگیر میباشند و راه رهائی خلق را در انقلاب دموکراتیک خلق تحت‌عنوانی پورولتاریا میدانند .

رفقا! ماه نوامبر ماه دفاع از جنبش خلق زندانیان سیاسی است ولی این دفاع به این ماه ختم نمی‌شود این دفاعی است که جز لاینگ افشای هرچه بیشتر رژیم دمنش پهلوی است . دفاع از جنبش و افشای رژیم بویژه در این روزها با سفر شاه جلاد برای پایبوسی اربابان آمریکائی و فرانسوی و سرکوب‌های خونینی که دستاور این سفر شاه خائن بود و نیز با مبارزات چند روز پیش اقتدار و طبقات خلقی که هم اکنون ادامه دارد از اهمیت خاصی برخوردار است . امروز که بیش از چهارده سال از تولد جنبش نوین انقلابی میگذرد از آنجائیکه در این مدت نسبتاً کوتاه پیشگامان دلاور خلق به کسب دستاوردهای مهمی نایل شده اند و مخصوص در چند سال اخیر جنبش خلق به پیشتازی جنبش انقلابی رشد قابل توجهی داشته و همچنین از آنجائیکه اساساً حرکت جنبش از حقانیت تاریخی برخوردار است، افشای خبیانتهای رژیم پهلوی درخوش خدمتی به امپریالیستها و درغارت و چپاول بیرحمانه خلق ستمدیده ایران، افشای جنایات ساواک و شکنجه‌های قرون وسطایی زندانیان سیاسی بدون دفاع از مبارزات توده‌های اقتدار و طبقات مختلف خلقی و بدون دفاع قاطع و بی قید و شرط از جنبش نوین انقلابی نمیتواند مضمونی کاملاً رزمنده داشته باشد .

برماست که بعنوان بخشی از جنبش دانشجویی خارج که اعتقاد راسخ به ضرورت همسوئی با حرکت روبرشد جنبش انقلابی میهنمان داریم، دفاع همه جانبه خود را از جنبش خلق و پیشتازان جان برکف آن هر روز دقیق تر و عمیق تر نمائیم. سرنگونی رژیم سرسپرده محمد رضاشاه و قطع کامل نفوذ امپریالیسم فقط با مبارزه بی امان توده های زحمتکش خلق امکان پذیراست، بشرطی که این مبارزه در سطح عدالتا خود بخودی و مطالباتی امروز باقی نماند، بلکه با کسب آگاهی انقلابی از پیشگامان آگاه خلق انقلاب به مرحله توده ای اش برسد. بنابراین چون معتقد هستیم که آماده شدن شرایط ذهنی انقلاب بمنظور سرنگونی رژیم شاه خائن و اخراج امپریالیسم جز از طریق حرکت روبرشد جنبش نوین انقلابی در بردن آگاهی سیاسی انقلابی به میان زحمتکشان و اقشار خلقی تشکل و بسیج آنها برای این سرنگونی از هیچ طریق دیگری امکان پذیر نیست، برماست که باتمام قوا در دفاع از خلق و پیشگامان انقلابی بکوشیم برماست که مشی سازشکارانه بورژوازی لیبرال و در راس آن دارودسته خائن کمیته مرکزی را که علیه انقلاب توده ها و جنبش نوین انقلابی بپاخاسته بیرحمانه افشا نمائیم. برماست که گدازه های امکانات مادی و معنوی خود را با تکیه بر مشی دموکراتیسم پیگیر در خدمت به جنبش انقلابی و توده های زحمتکش میهنمان بکار اندازیم و این امکانات را برای پاسخگویی به ضرورت تاریخی ای که امروز در مقابل جنبش دانشجویی خارج از کشور است هرچه بیشتر شکوفا نمائیم.

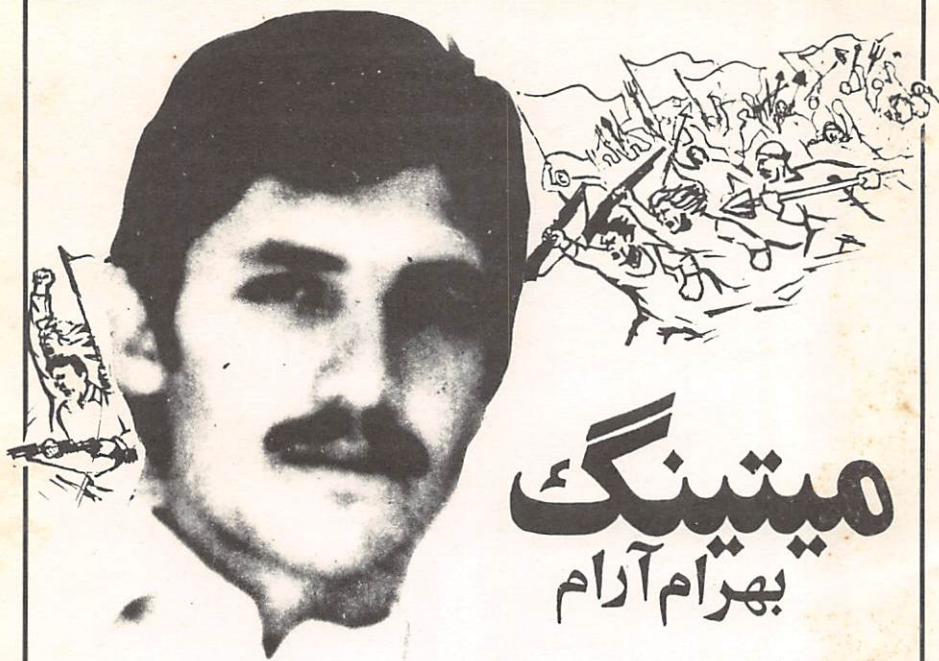
★ مستحکم باد پیوند جنبش نوین انقلابی با جنبش های خود بخودی توده های زحمتکش خلق

★ پیروز باد جنبش خلق قهرمان ایران و پیشتاز آن جنبش نوین انقلابی

★ در راه طرد مشی سازشکارانه و تسلیم طلبانه بورژوازی لیبرال قاطعانه مبارزه کنیم

★ سرنگون باد رژیم منفور شاه خائن سگ زنجیری امپریالیسم امریکا





میتینگ بهرام آرام

موضوع: انقلاب در ایران

محل: خانه ویکتور لیون، کوی دانشگاه، تاریخ: شنبه ۳۰ آذرماه ۱۳۸۱

پیروز باد مبارزات خلق قهرمان ایران و پیشتازان جنبش نوین انقلابی

سنگون بدر رثیم منفور شاه، سگ زنجیری امپریالیسم آمریکا

سازمان محصلین و دانشجویان ایرانی دریاریس
(عضو فداییون فرانسه)



آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

PEIK فدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در فرانسه

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر

www.peykar.org